

در صفحه ۱۲ بخوانید...

گذشت از خویش یابد کارگی | میرجلالدین کزازی

هم‌دردمان تمام دنیا هستیم | شهلا لاهیجی

درس زندگی | سعید بیابانکی

قدر پدر و مادر و بدوین | مجید صالحی



موانع پیش روی توسعه از نگاه فعالان سیاسی

سایه اراده اقشار جامعه



کیدی

یادداشت ۱

توسعه و ضد توسعه

کریم ارغنده پور

فعال سیاسی



یا سیستم‌های آموزشی ساز دیگری بزنند. این ممکن نیست. اگر بخواهیم صادقانه و دقیق به پرسش شما مبنی بر موانع اصلی توسعه در سال‌های گذشته پاسخ دهیم، باید به ساخت سیاسی قدرت اشاره کنیم. امروز دولت توسعه‌گراست ولی راهش به اندازه کافی هموار نیست. این ناهمواری در جاهای مختلف باید جست‌وجو شود در حالی که نقطه عزیمت همگی منشأ سیاسی دارد. اصلاحات در وقت خود هم‌مش همین بود که ساخت قدرت را برای پیشرفت کشور آماده‌تر کند. مثلاً تصور می‌کرد دموکراسی لازم رسیدن به توسعه فراگیر و پایدار است گو این که بدون دموکراسی حداقل رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی غیرممکن است. برخی حتی رسیدن به توسعه اقتصادی را نیز در جامعه‌ای با مختصات جامعه ما بدون تثبیت حداقلی از زمینه‌های دموکراتیک غیرممکن می‌دانند. این تردید اگر با خصوصیات تاریخی و اجتماعی ما ستجیده شود، چندان غیرمحققانه و غیرعلمی به نظر نمی‌رسد. مدل چینی توسعه برای ایران بسیار بعید است. توسعه متوازن و پایدار یک هدف عالی برای اصلاحات بود.

مدل توسعه‌ای آن هم با استناد به برنامه ۵ساله‌ای بود که آن دولت تدوین کرد. اصلاحات در واقع هیچ چیز جز انجام تغییراتی در جامعه و در ذیل قانون اساسی برای ایجاد زمینه‌های بهتر برای دستیابی به آرمان‌های اولیه انقلاب نبود. انقلاب می‌خواست کشور آزاد و آباد و مستقل باشد، انسان صاحب‌حق و کرامت و قانون بر کشور حاکم باشد. البته مردم از باب اینکه دیندار هستند، می‌خواستند اخلاق و مبانی دینی در ارکان زندگی آنها نمود داشته باشد. این امر با یک قرائت رحمانی به حداکثر ظریف رضایتمندی جامعه نزدیک‌تر می‌شود. ما می‌توانیم مسیر توسعه خود را به نحوی تدوین کنیم که این اهداف در آنها بروز بیشتری یابند.

قانون برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز هم همین هدف را دنبال می‌کرده‌اند ولی متأسفانه امکان عدم اطلاق و حاکمیت تمام قانون از یک‌سو و کوتاه‌مدت‌بودن استراتژی‌ها در عمل دستیابی به این اهداف را دشوار کرده است.

موانع توسعه در ایران هم مثل بسیاری از کشورهای جهان به مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی برمی‌گردد ولی سهم این عوامل نسبت به یکدیگر یکسان نیست. پیش از هر چیز ذکر این نکته مهم است که برای توسعه باید سیاست‌های توسعه‌ای به‌درستی و واقع‌گرایانه انتخاب شوند.

دولت آقای احمدی‌نژاد در این مسیر نگاه کاملاً متفاوتی با دولت آقای خاتمی داشت. از این نظر حتی برخی با احتیاط در اصل توسعه‌گرا بودن دولت گذشته تردید روا داشته‌اند.

توسعه در مفهوم عام خود باید توسط شاخص‌هایی سنجیده شود، به بسیاری از این شاخص‌ها در آن دوران بی‌اعتنایی شده است. اما فارغ از این نکته باید گفت برنامه‌های ۵ ساله ایران با هدف توسعه تدوین شده‌اند.

برنامه چشم‌انداز هم چنین هدفی دارد ولی متأسفانه ساختار مدیریتی کشور به‌گونه‌ای نیست که با تغییر مدیران یا دولت‌ها این برنامه‌ها آسیب نینند. چنانچه احمدی‌نژاد عملاً قانون برنامه توسعه‌ای را که موظف به اجرای آن بود، مورد بی‌مهری قرار داد. بنابراین توسعه‌گرا بودن دولت بسیار مهم است.

تازه در این صورت می‌توان، توان مدیریتی مورد نیاز آن را مورد پرسش قرار داد. وقتی نیروی انسانی لازم برای چنین توسعه‌ای در دولت و جامعه مهیا نباشد، اراده به توسعه به تنهایی چاره‌ساز نیست. تامین نیروی انسانی، بخشی مهم از تامین منبع مقتضی برای توسعه است. بخش دیگر هموار شدن زمینه‌های اجتماعی و سیاسی است. برای ایجاد زمینه‌های اجتماعی باید کار فرهنگی مناسب صورت گیرد که طبعاً امری زمانبر است.

بخش‌های مختلف آموزشی مثل آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و کتاب‌های درسی بسیار مهم هستند. همچنین رسانه‌های اصلی و در صدر آنها صداوسیما. نمی‌توان انتظار توسعه داشت، درحالی که صدا و سیما

یادداشت ۲

توهم نفتی

محمدحسن قدیری ایبانه

سفیر سابق ایران

در مکزیک و استرالیا



توقعات آمده و ذهن‌ها را پر کرده است. در نتیجه چنین توهمی است که مردم، متوقعانه و به‌طور اغراق‌آمیزی توقع برآورده شدن نیازهایشان را از جانب دولت دارند، درحالی که در سایر کشورهای جهان، این مردم هستند که باید هزینه‌های دولت را برآورده کنند.

همچنین، به دنبال چنین توقع و توهمی است که «تنبلی اجتماعی» ظهور و بروز پیدا می‌کند. یعنی به جای این که مردم برای ارضای نیازهای خود به کار و تلاش و تولید ثروت بپردازند و در مصرف، قناعت ورزند، توقع دارند که نیازهایشان را دولت تأمین کند. متأسفانه ایرانی‌ها، در تنبلی اجتماعی بعد از اعراب، رتبه‌دار جایگاه دوم هستند. همچنین بیشترین تعطیلات مناسبتی و بین‌التعطیلیت و کمترین ساعات مفید کاری از آن ایرانیان است و متأسفانه ملت ما، جزو مسرف‌ترین ملت‌ها هستند.

تمام مباحث سیاسی و اجتماعی کشور، حول و حوش سهم‌خواهی از بودجه دولت است و کمتر کسی برای خود در حل مسائل کشور نقش قابل‌استدلالی می‌کند. تنها مسئولان می‌توانند و بایستی با اتکالی به آن درآمدهای توهمی، مشکلات جامعه را حل کنند. لذا در موضوع شعارهای سال، مردم، تنها مسئولان را مخاطب این شعارها می‌دانند و نه خود را. متأسفانه، این توهم، دام‌گیر بعضی از مسئولان نیز شده است؛ اعم از دولت، مجلس و دیگران.

ادامه در صفحه ۱۱

توهم و تنبلی اجتماعی

اساسی‌ترین مشکل و معضل و به عبارتی، ام‌المصائب حال حاضر جامعه ما، توهمی است که برای مردم ایران درمورد میزان درآمدهای نفتی دولت وجود دارد. ردیف بودجه مصوب نفت در سال ۱۳۹۱، بیش از ۶۱ هزار میلیارد تومان بوده که از تمام بودجه‌های مصوب در سال‌های بعد از انقلاب بیشتر بوده است. با تقسیم این میزان پول، به تعداد ۷۵ میلیون نفر جمعیت مردم ایران، معلوم می‌شود که این رقم نجومی، به ازای هر نفر در هر ماه، ۶۷ هزار تومان می‌شود.

این درحالی است که حتی این رقم بودجه نیز هیچگاه محقق نشده است. درحالی که تصور عمومی از میزان درآمدهای نفتی کشور، ده‌ها، صدها و هزاران برابر چیزی است که در واقع وجود دارد؛ که البته، توهمی بیش نیست. این توهم موجب توقع نایجابی مردم شده است، مبنی بر این که دولت با اتکا به درآمدهای توهمی نفت، نیازهای مردمی در حوزه مسکن، اقتصاد، اشتغال، تورم و... را تأمین کند و چون دولت چنین درآمدی ندارد، نمی‌تواند توقعات روزافزون مردم را پاس‌خگو باشد و لذا صورتی مثل ناکارآمدی، فساد، سوءاستفاده و امثال اینها، به دنبال آن

روبرو شود. از این‌رو استفاده از صاحب‌نظران در تمامی بخش‌ها از جمله اصلی‌ترین اصولی است که باید مورد تأکید قرار گیرد. اما در نهایت باید بگویم که بسیاری از کشورهای که در سطح جهان به سمت توسعه‌یافتگی حرکت کرده‌اند و توانسته‌اند بحران‌های گوناگون را از پیش‌پا بردارند، دارای آزادی عمل و رفتار و انتخابات آزاد، (به عنوان وجه اصلی و موثر در این کشورها) بودند. از این‌رو ما نیز چنانچه بخواهیم به سمت توسعه‌یافتگی حرکت کنیم و نارسایی‌های موجود در کشور را از پیش‌پا برداریم، در گام نخست باید آزادی و اراده ملی را در کشور تقویت کنیم. چراکه حرکت درست تنها زیرساخت اراده تمامی اقشار جامعه و با آزادی عمل و بیان میسر خواهد بود.

سمت‌وسوی توسعه حرکت کند. از طرفی عنصر دیگری که می‌تواند تضمین‌کننده حرکت به سوی توسعه‌یافتگی و حل نارسایی‌ها در جامعه باشد، بدون شک استفاده از نظر کارشناسان و افراد صاحب‌نظر است.

متأسفانه در کشور ما این امر آن‌طور که باید و شاید انجام نمی‌پذیرد و به همین دلیل نیز ما شاهد سوءمدیریت و حضور برخی افراد هستیم که به‌خصوص طی سال‌های گذشته ضربات جبران‌ناپذیری را به اقتصاد، فرهنگ، سیاست داخلی و خارجی و... وارد کرده و متأسفانه بسیاری از بخش‌هایی که باید به‌عنوان مانعی برای عملکرد آنها وارد عمل شوند نیز شدت عمل خاصی از خود به خرج دادند و در نتیجه کشور با عقبگرد و بحران

بررسی است. از این‌رو چنانچه آزادی در سطوح گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... در کشوری وجود داشته باشد و درون دولت و مردمش نهادینه شده باشد، به‌درستی می‌توان دریافت و مشاهده کرد که آن کشور حرکت رو به جلو دارد و از سویی در روند توسعه‌یافتگی قرار گرفته است. این موارد در نوع خود عامل برطرف شدن نارسایی‌ها و مشکلات در حوزه‌های گوناگون نیز می‌شود. بر این اساس یکی از اصلی‌ترین ارکانی که می‌تواند این آزادی را تضمین و آن را به جامعه تسری بخشد، مجلس است. نمایندگان در مجلس باید براساس قوانین و با آزادی عمل کار کنند و به دور از سلیقه‌ورزی و قطب‌گرایی، به فعالیت بپردازند. در این صورت است که می‌توان انتظار داشت که کشور به

حسین انصاری‌راد

فعال سیاسی



چنانچه بخواهیم موانع موجود بر سر راه توسعه‌یافتگی کشور را بر شماریم و نارسایی‌های موجود در این زمینه را مورد بررسی قرار دهیم، باید به موارد گوناگونی اشاره کنیم که این موارد در کنار یکدیگر موجبات نارسایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... شده است. اما چنانچه بخواهیم این موارد را در یک کلام خلاصه کنیم، باید بگویم که اساس توسعه‌نیافتگی به صورت کلی در عدم آزادی خلاصه می‌شود. این آزادی از منظرهای گوناگون و وجوه مختلف قابل